هیچ امّتى نه از اجل خود پیشى مى‌گیرد و نه باز پس مى‌ماند. (43) باز فرستادگان خود را پیاپى روانه کردیم. هر بار براى [هدایت‌] امتى پیامبرش آمد، او را تکذیب کردند؛ پس [ما امتهاى سرکش را] یکى پس از دیگرى آوردیم و آنها را مایه عبرت [و زبانزد مردم‌] گردانیدیم. دور باد [از رحمت خدا] مردمى که ایمان نمى‌آورند. (44) سپس موسى و برادرش هارون را با آیات خود و حجتى آشکار فرستادیم، (45) به سوى فرعون و سران [قوم‌] او، ولى تکبّر نمودند و مردمى گردنکش بودند، (46) پس گفتند: «آیا به دو بشر که مثل خود ما هستند و طایفه آنها بندگان ما مى‌باشند ایمان بیاوریم؟» (47) در نتیجه، آن دو را دروغزن خواندند، پس از زمره هلاک‌شدگان گشتند. (48) و به یقین، ما به موسى کتاب [آسمانى‌] دادیم، باشد که آنان به راه راست روند. (49) و پسر مریم و مادرش را نشانه‌اى گردانیدیم و آن دو را در سرزمین بلندى که جاى زیست و [داراى‌] آب زلال بود جاى دادیم. (50) اى پیامبران، از چیزهاى پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید، که من به آنچه انجام مى‌دهید دانایم. (51) و در حقیقت، این امّت شماست که امتى یگانه است، و من پروردگار شمایم؛ پس، از من پروا دارید. (52) تا کار [دین‌]شان را میان خود قطعه قطعه کردند [و] دسته دسته شدند: هر دسته‌اى به آنچه نزدشان بود، دل خوش کردند. (53) پس آنها را در ورطه گمراهى‌شان تا چندى واگذار. (54) آیا مى‌پندارند که آنچه از مال و پسران که بدیشان مدد مى‌دهیم، (55) [از آن روى است که‌] مى‌خواهیم به سودشان در خیرات شتاب ورزیم؟ [نه،] بلکه نمى‌فهمند. (56) در حقیقت، کسانى که از بیم پروردگارشان هراسانند، (57) و کسانى که به نشانه‌هاى پروردگارشان ایمان مى‌آورند، (58) و آنان که به پروردگارشان شرک نمى‌آورند، (59)